

میرزا تقی خان امیر نظام*

-۷-؟

یکی از رجال بزرگ دولت و دهات که مملکت ایران در قرون اخیر به وجود آورده و در میان ظلمت قحط الرجال اعصار اخیره يك ستاره امیدي بود که خوش درخشید و بدبختانه دولت مستعجل بود ، میرزا تقی خان فراهانی بود معروف به امیر نظام و اتابک . در میان انبوهی از اسباب سرافکندگی که بواسطه استیلای طاعون رشوه خواری و فقدان درستکاری در رجال دولت و بی حالی و بی قیدی معدودی درستکاران ظهور میرزا تقی خان در میان اقبانوس فساد و دزدی و غارت مال دولت و چپاول مملکت و دسایس بی حد بلاشک برای ایرانیان بدبختی که عزت نفس آنها از سرزنش و سرکوبی نقادان خارجه و داخله مورد تحقیر می شود و بدین سبب پی يك فرد استثنائی پاک و وطن دوست و کاری در تاریخ اخیر خود می گردند تذکار نام بلند میرزا تقی خان مانند کشف دینه گرانها موجب وجد و شرف و باعث افتخار و سربلندی است .

همه می دانیم که ایرانی امروزی تا حرف از ذلت و ننگین بودن ایران حالیه به میان بیاید فوراً از داریوش و اردشیر و زردشت و فردوسی و خیام حرف می زند و بالاخره می آید سر شاه عباس و نادرشاه و در آنجا با کمال خجلت در می ماند و اگر در تاریخ جدید خود اسباب آبرومندی و سربلندی داشت هیچ وقت مجبور نمی شد دم از جمشید موهوم و جاماسپ و بزرجمهر نا معلوم حرف بزند و بخواهد با جنگهای رستم و اسفندیار و علم و حکمت کوشیار و بهمنیار اسباب روسفیدی و سرافرازی برای خود تهیه کند. در این قحط الرجال عهد اخیر میرزا تقی خان مانند ستاره شمری می درخشد و وسیله به دست می دهد که بگوییم وطن بلغمی و جیهانی و صاحب بن عباد و نظام الملک طوسی هنوز به کلی بایر نشده و اگر دایره مناصب دولت محدود به اولاد «بزرگان» و یا به سیاسیون پایتخت که ورزیده اسباب- چینی آن حوزه فاسد شده اند نمی باشد و اولاد فقرا و مخصوصاً از ولایات در کار اداره امور دولت راه یابند شاید کم و بیش مایه خوبی داخل دستگاه دولت شود ، چه چنانکه خواهیم دید میرزا تقی خان نیز از اولاد رعیت ولایات و پسر يك آشپز گمنامی بود.

* در میان اوراق تقی زاده به مقاله ای ناتمام برخوردیم که به خط تقی زاده است و آن را برای درج در مجله کاوه نوشته بوده است .

عدد ۷ (با علامت سؤال) گواه دنباله مقالات دیگر این رشته است که تحت عنوان «مشاهیر مردمان مشرق و مغرب» در احوال لوتر ، مارکس ، سید احمد خان ، سید جمال اسد آبادی ، کراپوتکین (جمماً پنج مقاله) در آن مجله طبع شده بوده است . پس علامت سؤال که تقی زاده کنار عدد هفت گذارده درست است و آنچه درباره امیر کبیر نوشته ششمین مقاله ازین سلسله بوده است .

درین اوقات که مکرراً نام مرحوم امیر به میان آمده است درج آن را در مجله ینما

(ایرج افشار)

مناسب دانست .

نسب او و اوایل امر وی

میرزا تقی خان پسر يك آشپز فراهانی بود که بنا به بعضی روایات شفاهی اسم او استاد قربانعلی بوده . از تولد میرزا تقی خان و اوایل امر پدرو او نگارنده اطلاع صحیحی ندارم . از اینکه وی به فراهانی معروف بود چنان بر می آید که وی در فراهان و بنا به بعضی روایات شفاهی در یکی از قرای آن ناحیه تولد یافته . لکن گوینو و بروگش (۱) که کمی بعد از وفات میرزا تقی خان شرحی راجع به او نوشته اند پدر او را کرمانشاهی خوانده اند و ممکن است اصلاً فراهانی بوده و در کرمانشاه مقیم بوده است .

به هر حال پدر او به عنوان آشپزی داخل خدمت میرزا ابوالقاسم قائم مقام شده (۲) و بعدها ناظر و خوانسالار وی گردیده و در تعلیم و تربیت پسر خود کوشیده و چون پسر با استعداد رشد کرده وی نیز در خدمت قائم مقام و در واقع در خدمات دولتی عباس میرزای نایب السلطنه داخل شده بواسطه لیاقت خود بتدریج ترقی کرده است .

معروف است که قائم مقام که خود نیز از کفایت رجال عهد قاجاریه و در سیاست و ادب و فضل و معرفت استاد عصر خود بود به فراست جبلی ، جوهر ذاتی و آینده درخشان میرزا تقی جوان را دریافته و درباره او «یکدازیتهاینی»^۱ بر خوانده بود .

ظاهراً در اواخر عهد فتحعلی شاه ولی پیش از صلح اخیر با روس (صلح ترکمانچای) میرزا تقی در اداره نظام آذربایجان در جزو اداره محمد خان زنگنه امیر نظام سپهسالار آذربایجان داخل شده و منصب مستوفی نظام یافته است . مشارالیه به همین سمت در سنه ۱۲۴۴ در جزو هیأت سفارت فوق‌العاده ایران در معیت خسرو میرزا پسر عباس میرزای نایب السلطنه که محمد خان امیر نظام نیز در آن هیأت بود برای عذر خواهی قتل گریبایدوف وزیر مختار مقتول روس به پترسبورگ که به دربار نیکلای اول امپراطور روس رفت . این هیأت در شوال سنه ۱۲۴۴ از تبریز عازم شده و در سوم رمضان ۱۲۴۵ به تبریز عودت کرد . بعد از آن مدتها میرزا تقی خان در حمایت محمدخان امیر نظام مشغول امور دولتی بود و چندی بعد به منصب وزیر نظامی ارتقا یافت .

در سنه ۱۲۵۴ (ظاهراً در ماه جمادی الاخره) با ناصرالدین میرزای ولیعهد و محمد خان زنگنه امیر نظام و جمعی دیگر به ایروان برای ملاقات امپراطور روس نیکلای رفت و به قول مؤلف ناسخ‌التواریخ امپراطور در موقع معرفی او به حضور گفت شکر خدا را که رفیق

1- Heinriche Brugsch

۲ - بنا بر قول گولدسمید در دائره المعارف بریطانی پدر میرزا تقی خان آشپز بهرام میرزا برادر محمدشاه بود . ولی ملاحظات تاریخی این فقره را قدری مستبعد می کند ، چه میرزا تقی خان خود در اوایل جوانی بهرام میرزا و بلکه طفولیت وی دارای مقامی بود و از این که وی در سنه ۱۲۴۴ مستوفی نظام و از اجزای سفارت فوق‌العاده پترسبورگ بود استنباط می شود که وی از چندی پیش از آن تاریخ در خدمات دولتی بوده در صورتی که بهرام میرزا بعد از سنه ۱۲۲۲ متولد شد و در اواخر سال ۱۲۹۹ مرحوم شد .

خود را دیگر باره دیدیم و با وی به زبان روسی احوال پرسى کرد (۹) و بعد برای او انفيهدان مرصعی فرستاد .

در سنه ۱۲۵۴ حمله عثمانیها به شهر محمره و تصرف آنجا باعث نقاری میان دولتین ایران و عثمانی شده و در نتیجه آن میرزا جعفرخان مشیرالدوله وزیر مختار ایران در اسلامبول به ایران خواسته شد و در واقع روابط ایران با عثمانی مقطوع شد و به واسطه اشتغال دولت به تسخیر هرات و جنگ با افغانه کار قطع و فصل امور بین دو دولت موقوف ماند و اگر چه قشون ایران در شوال سنه ۱۲۵۷ محمره را پس گرفتند ولی خسارت زیادی که به آن شهر از جانب عثمانیان وارد آمده بود ماده اختلاف بزرگی در بین بود .

واقعه قتل عام اهالی کر بلا از طرف نجیب پاشا والی بغداد در سنه ۱۲۵۹ اختلاف بین دولتین را شدت داده و دولت ایران مصمم جنگ با عثمانی شد ، ولی سفرای روس و انگلیس میانجی گری کرده و بالاخره قرار شد در ارزروم مجلسی برای تصفیة اختلافات و تسویة امور سرحدی مرکب از نمایندگان ایران و عثمانی و روس و انگلیس منعقد شود و چون میرزا جعفرخان مشیرالدوله که به نمایندگی ایران در این مجمع مامور شده و از طهران حرکت کرد در ورود به تبریز ناخوش شده و از کار ماند دولت ایران میرزا تقی خان وزیر نظام را به این سمت مامور نمود (۱) .

و او ظاهراً در اوایل سنه ۱۲۶۰ عازم ارزروم شده و بیشتر از سه سال در آن شهر بود . در این مدت میان وکلای دولتین هجده مجلس مذاکره شد و نتیجه هر مجلس بایستی با قاصد مخصوص به پایتخت فرستاده شده و جواب برسد . بالاخره در نتیجه مذاکرات سه ساله عهد نامه ارزروم میان دولتین ایران و عثمانی بسته شده و در ۱۶ جمادی الاخره ۱۲۶۳ امضا شد که هنوز هم مناط عمل در بین دولتین است .

بعد از امضای عهدنامه میرزا تقی خان به ایران برگشت و به تبریز آمده و از آنجا به طهران رفت و عهدنامه را به دربار شاهی رسانیده و باز به تبریز برگشت . در اواخر زمان اقامت وی در ارزروم فتنه بزرگی از طرف اهالی آن شهر بر ضد وی برخاست که منجر به قتل اتباع او و مجروح شدن خودش شد ، چنانکه در کتب تواریخ مسطور است .

بعد از عودت میرزا تقی خان به تبریز ناصرالدین میرزای ولیعهد فرمانفرمای آذربایجان شده و در اوایل ربیع الثانی سال ۱۲۶۴ وارد تبریز شد و بالطبع وزیر نظام که پس از سپهسالار کل آذربایجان در منصب لشگری شخص دوم بود به خدمت ولیعهد پیوست . در همین اوقات محمدخان امیر نظام درگذشت و اگر چه علی خان ماکوئی از طهران به جای وی

۱ - ممکن است میرزا تقی خان درین کار سابقه ای هم داشته بوده است ، چه میرزا ابوالقاسم قائم مقام مأمور گفتگوی عهدنامه اول ارزروم منعقد در سنه ۱۲۳۹ بود و محمد خان زنکنه امیر نظام نیز در سنه ۱۲۵۰ در سرحد عثمانی با فرمانفرمای ارزروم مأمور گفتگو و قطع و فصل امور سرحدی دولتین بود . لهذا ممکن است میرزا تقی خان هم با رئیس خود درین گفتگوها حاضر بوده است و همین فقره سبب سابقه او شده .

سپهسالار آذربایجان شده و به تبریز رفت ولی در واقع نفوذ وزیر نظام در لشکر قائم مقام امیر نظام متوفی بود .

چون محمد شاه در ششم شوال سنه ۱۲۶۴ مرد ولیمهد در تبریز جلوس کرده و به تهیه لشکر و ساز حرکت به طهران مشغول شد . میرزا فضل الله نصیر الملک که وزیر ولیمهد بود و میرزا تقی خان وزیر نظام به تدارک حرکت شاه تازه پرداختند و علی خان سپهسالار معزول شد . ولی طولی نکشید که هم ریاست کل قشون و هم پیشکاری کل امور شاه جدید با میرزا تقی خان شد .

و پس از آنکه ناصرالدین شاه و اردوی او در ۱۹ شوال از تبریز حرکت کردند در چهار منزلی تبریز در چمن توپچی میرزا تقی خان ملقب به امیر نظام و سپهسالار کل قشون شد و نزدیکی طهران در منزل یافت آباد مقام شخص اول بودن وی معلوم شد .

یک روز پس از ورود به طهران در ۲۱ ذی القعدة فردای آنروز لقب اتابیکی ومنصب صدارت یافت . ولی میرزا تقی خان اسم صدر اعظم بر خود نگذاشت و فوراً شروع به کار کرده به اصلاح جمع و خرج و نظم مملکت و تسکین فتنهها پرداخت .

در چهارم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۵ به مصاهرت شاه نایل شد و عزة الدوله خواهر شاه را به زنی گرفت . ده روز بعد افواج نظامی طهران به تحریک درباریان که دشمن امیر نظام و اصلاحات او بودند شکایت از میرزا حسن خان وزیر نظام برادر امیر را که در آذربایجان بود عنوان کرده بر ضد امیر نظام شورش کردند و خواستند به هر نحو است او را معزول کنند . ولی هر قدر فتنه بالا گرفت و سربازان به خانه امیر هجوم کردند شاه تن به عزل او نداد و پافشاری کرد و بالاخره فتنه خوابید و سربازها مطیع شدند .

این شورش سه روز طول کشید و در این اثنا امیر نظام به خانه میرزا آقا خان نوری نقل مکان کرد .

بعدها امیر نظام در کار خود مقتدر و مستقل شده و روز به روز بر قدرت وی افزود . تاریخ اعمال امیر نظام و در واقع مملکتداری وی در حقیقت عبارت از تاریخ سه ساله مملکت ایران است از جلوس ناصرالدین شاه تا عزل امیر نظام . در این باب در خصوص اصلاحات عمده او در ذیل این مقاله شرحی ذکر خواهد شد . فعلا نظری به عاقبت کار انداخته و تاریخ زندگی او را به ختام می رسانیم . (۱)

- | | |
|----------------------------|------------------------------|
| میرزا تقی خان در فراهان یا | - روابط با مهد علیا |
| کرمانشاهان | - روابط با سفارتها |
| - پدرش | - میرزا یعقوب خان |
| - سنش | - مداخله روسها |
| - ولادتش | - تبعید |
| - صنعت پدرش | - وفات |
| - اول دخولش در خدمت | - انتریگه مادرشاه و درباریان |

۱ - نوشته مدون و تحریر شده تقی زاده به همین جا ختم می شود . پس از آن رموس عناوینی که تقی زاده برای نوشتن مقاله خود یادداشت کرده بوده است نقل می شود .

- در اداره قائم مقام
- در اداره محمد خان زنگنه
- مستوفی نظام
- در پترسبورگ
- در ایروان
- در ارزروم
- در تبریز
- در چمن توپچی
- ورود به طهران
- لقب امیر نظامی
- لقب اتابیکی
- عروسی با عزة الدوله
- شورش سر بازان
- اصلاحات
- تحریکات
- سفر اصفهان
- حادثه قم
- افزودن قدرت و نفوذ دولت
- دارالفنون
- اصلاحات قشونی
- چراغعلی خان زنگنه
- آشوراده و منع برده فروشی
- انتریک میرزا آقاخان
- حاجی علی خان فراشبندی
- شورش مردم در ارزروم بر ضد او
- کشتن باب و دفع بایه
- اسم میرزا تقی خان پیش بایه
- دانستن زبان روسی
- صدای ضعیف او
- پسرانش و دخترانش
- برادرانش
- زنش
- اصلاح بودجه
- فتنه شاهزادگان و سالار و بایه در
- زنجان و مازندران
- پلها و کاروانسراها
- موقوفی رشوه و مداخل
- قراولخانهها
- قلع و قمع دزدی
- کارهرات ، خیمه
- اصلاحات
- درستکاری او
- دارالفنون و معلمین فرنگی و پولاک
- و جان داود

ماخذ

- ناسخ التواریخ
- روضة الصفا
- مآثر سلطانی
- میرزا صادق مروزی
- احتشام السلطنه راجع به ارزروم،
- سن امیر نظام در موقع وفات
- کرزن
- گوینو
- مرخم
- لدی شیل
- واتسون
- پنینگه
- کنابی که جمالزاده گفت
- کتب تواریخ قاجاریه خطی در کتابخانه
- آنسیکلوپدی بریتانیک
- وقایع اتفاقیه
- تاریخ بیداری ایرانیان
- سایکس
- منتظم ناصری
- کتاب سفیرپروس
- روزنامه ادب تبریز
- کتاب پولاک
- کتاب عضالدوله
- کتاب مادام کارلا سرنا